

گزارش پژوهش میدانی موسیقی ناحیه‌ی کومش



قابل تأمل و در موارد بسیاری قابل صدور و معرفی در جهان هستند، موسیقی قومی روزهای سختی را می‌گذرانند. به جهت مشکلات متعدد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور در حال حاضر اغلب فرهنگ‌های موسیقایی اقوام به گوشه‌ای خزیده شده و مهمترین ناقلان خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند. و چه تلخ... به جهت غفلت و عدم تدبیر فرهنگی، تعصب و خرافه پرستی، مشکلات معیشتی، عدم شناخت، عدم مطالعه و برنامه ریزی برای هجوم بی‌چون و چرا و غیر قابل اجتناب و غیر طبیعی فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم، عدم برنامه ریزی و دارا بودن یک نظام مدون فرهنگی جهت مطالعه و اجرا، موسیقی ایران و به ویژه موسیقی اقوام ایران دچار سرخوردگی، سرگشتگی و در موارد بسیاری از دست دادن گنجینه‌های موسیقایی انسانی، مادی و معنوی خود است. در حال حاضر نیاز پرداختن به علم فرهنگی و به موازات آن علم هنری در ایران بیش از پیش احساس می‌شود. بی‌تردید پرداختن به جنبه‌های مختلف و پُراهمیت موسیقی همچون مطالعات جامعه‌شناسی موسیقی، مردم‌شناسی موسیقی، روانشناسی موسیقی، تاریخ نگاری موسیقی، قوم نگاری موسیقی، فلسفه‌ی موسیقی و زیبایی‌شناسی موسیقی در اقوام، تحلیل داده‌های میدانی به دست آمده از اجراهای موسیقایی اقوام و مواردی از این قبیل در امر پیشرفت و توسعه‌ی فرهنگ موسیقی ایران حائز اهمیت است. با مرور کارنامه‌ی عملکرد دستگاه‌های مسئول در این زمینه در سالهای اخیر متأسفانه نقطه‌های مثبت چندان امیدوار کننده‌ای ضمن صرف هزینه‌های سرسام آور تبلیغاتی و اداری به چشم نمی‌خورد. با این وجود همین اندک منابع موجود قابل رجوع نوشتاری، شنیداری و تصویری به دست آمده توسط تعداد معدودی از پژوهشگران، هنرمندان و مشتاقان به فرهنگ موسیقایی اقوام ایران با صرف هزینه‌های شخصی موجب دلگرمی است. در حالی که بیش از پنجاه سال از زمان تأسیس رشته‌ی موسیقی‌شناسی قومی (اتنوموزیکولوژی) نمی‌گذرد، امروزه با تدابیر فرهنگی و علمی کشورها مطالعات عمیق و کارآمدی جهت توسعه‌ی پایدار فرهنگی با تمرکز شناسی موسیقی اقوام صورت گرفته است. به هر جهت علم اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی قومی) در ایران از علوم نوپا به شمار می‌آید. تنها تعداد انگشت شماری از متخصصین این رشته (فارغ التحصیل از دانشگاه‌های دنیا) در حال حاضر در ایران فعالیت دارند. بیش از چند سال از تأسیس رشته‌ی اتنوموزیکولوژی در ایران نمی‌گذرد. تنها دو دانشگاه (تهران و هنر تهران) آن هم با ظرفیتی بسیار اندک با سیستم گزینشی قابل نقد از سوی صاحب نظران و محققین این رشته جهت جذب دانشجو وجود دارد. با این که امروزه مجامع علمی دنیا به اهمیت موضوع علم فرهنگی و

برای شناخت ویژگی‌های فرهنگی هر سرزمینی بی‌واسطه می‌توان به آفرینش‌های هنری ساکنین آن نظر کرد که بازتاب فرهنگی اجتماع‌اند و به نوبه‌ی خود به همان اندازه در بن ساخت فکری و روحی جامعه تأثیرگذارند. به این ترتیب هر چه بنیان ذهن‌گرایی و انسان‌محوری فرهنگ‌ها مستحکم‌تر باشد سیر هنرهای تولیدی مجردگراتر، عملی‌تر، قدرتمندتر، کارآتر ماندگارتر و جهان‌شمول‌تر خواهند بود. از این رو هنرهای خوشاوندی چون شعر، نمایشنامه، نقاشی و در رأس آنها موسیقی مهترین هنرهای پویا و بازگوکننده‌ی ویژگی‌های فرهنگی جوامع هستند. موسیقی که در بطن خود تغذیه شده از مواد فرهنگی چون زبان، آیین و منطق فرهنگی هر جامعه است به خوبی باورها، اعتقادات، اندیشه‌ها، حماسه‌ها، احساسات و آمال و خواست‌های انسان‌ها را در فرهنگ‌ها در طی قرون متمادی منبعث ساخته و می‌سازد. از این روست که امروزه بیش از دیگر زمان‌ها موسیقی به عنوان تأثیرگذارترین ابزار فرهنگی بین ملت‌ها کاربرد دارد. پُر‌بی‌راه نگفته ایم اگر بگوییم که رقابت امروز ملت‌ها رقابت فرهنگی و علمی است و شاید یکی از مهمترین و در دسترس‌ترین ابزارهای چنین رقابتی موسیقی است. موسیقی‌ای که در طی قرون متمادی صرفاً ظرفی برای الهامات و ذهنیات مجردگونه‌ی فردی نوع بشر بوده و دارای پراکنش گسترده آنچه امروز شاهد آنیم نبوده، دیری است که به پدیده‌ای غول‌آسا در جهان بدل شده و تمامی مرزهای فرهنگی و جغرافیایی انسان‌ها را در نور دیده و آذهان همگان بشر را در خود بلعیده است. این پدیده از دو سو قابل تأمل است؛ یکی به مثابه‌ی ابزاری قدرتمند برای گفتگوی بین انسان‌های تمام نقاط جهان بدون نیاز به شناخت اولیه‌ی زبان‌ها و بدون در نظر گرفتن نژادها، که بی‌تردید فرصتی را برای پویایی، رقابت، شناخت و ارتباط بین فرهنگ‌ها ایجاد می‌کند، و دیگر سو جریان مهاجم، سوداگر و ویرانگر ذهن بشر امروز در جهان، ابزاری برای تزریق جوهره‌ی انفعال، خودارضایی و نهیلیستی مریض گونه است. هر چه هر فرهنگ بنیان‌های موسیقایی خود را بیشتر شناخته و بر مبنای آن درک دقیق‌تری از شرایط و توانایی‌های موسیقایی سایر ملت‌ها به دست آورده باشد و آگاهانه‌تر در روند تولید موسیقی عمل نماید خواهد توانست از دوسویه‌ی وجود و فعالیت موسیقی امروز در جهان قدرت واکنشی و مدیریتی داشته باشد. با این توضیح لازم است تا منابع فرهنگ موسیقایی قومی ایران خود را که ریشه در هزاره‌ها و سده‌های دارد به واقع بشناسیم موسیقایی ارزشمند و از سرگشتگی و انزوای فرهنگی دچار شده در جهان موسیقی خواهد رهانید. متأسفانه در کشورمان با وجود پتانسیل‌های عمیق فرهنگ قومی که همواره

پرداختن به جنبه‌های علمی موسیقی پی برده و برنامه ریزی‌های متعددی را توسط صاحب‌نظران جهانی زیر چتر حمایت‌های مالی کشورهای قدرتمند در دنیا صورت داده‌اند به قطع می‌توان گفت که در ایران حتی یک نهاد مستقیم هر چند کوچک جهت انجام مطالعات علم فرهنگی و موسیقایی وجود ندارد. ایران در حالی بسته‌های فرهنگ موسیقایی جهانی را بی‌تحلیل و تأمل در آن‌ها پذیرا است که دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی ایران هنوز درک واقع و جامعی از فرهنگ موسیقایی اقوام خود به عنوان پتانسیل‌های غنی تولیدات پیدا نکرده است. به واقع اغلب آنچه تولید شده و به نمایش گذاشته می‌شود هزار جویده‌های کهنه و تکراری، ناباور، منجمد و در سطوحی نازل نه حتی در حد سرگرمی است. پُر افسوس که پژوهشگران و مجریان موسیقایی اقوام بسیاری راه خود را کج کرده و به جهت عدم حمایت و تحمل بار سنگین منع‌ها و محدودیت‌های دستگاه‌ها بی‌غوله‌شاهراه کرده‌اند. بازنگری به قوانین در امر تسهیل تولیدات موسیقی، اصلاح ساختار اداری - اجرایی و مدیریتی نهادهای دولتی مربوطه، تغییر بینش رسانه‌ای و نهادهای مذهبی و اجرایی تصمیم‌گیرنده نسبت به موضوعات فرهنگی و هنری و به ویژه موسیقی، توسعه‌ی علوم نوین وابسته به فرهنگ و هنر در دانشگاه‌ها، بکارگیری اساتید و نخبگان علم فرهنگی و هنرمندان خلاق با سابقه‌ی تولیدی و هنری مناسب، بکارگیری پژوهشگران و متخصصین فرهنگ موسیقایی در بطن تصمیمات فرهنگی و مشاوره‌ای، ایجاد نهاد یا مراکز مستقل جهت انجام امور مطالعات فرهنگی و هنری به شکل دولتی یا غیر دولتی ضمن بکارگیری متخصصین، ساماندهی اوضاع هنرمندان رشته‌های مختلف اقوام به ویژه مجریان موسیقایی به عنوان آخرین بازمانده‌های فرهنگ شفاهی، حمایت‌های مالی و معنوی از هنرمندان و پژوهشگران تولید کننده، ایجاد بانک اطلاعات فرهنگ موسیقایی اقوام ایران، تبادل اطلاعات و ایجاد ارتباطات فرهنگی - موسیقایی با کشورهای در حال رشد و توسعه یافته، حضور پژوهشگران، هنرمندان موسیقی ایران در جوامع بین‌المللی به عنوان نمایندگان و صادر کنندگان فرهنگ موسیقایی ایران و مواردی از این دست جهت مرمت پیکره‌ی فرهنگ موسیقایی ایران و برون رفت از رکود، انجماد و همچنین رشد علمی فرهنگ و هنر ایران و در مجموع توسعه‌ی فرهنگی پایدار پیشنهاد می‌شود.

معرفی:



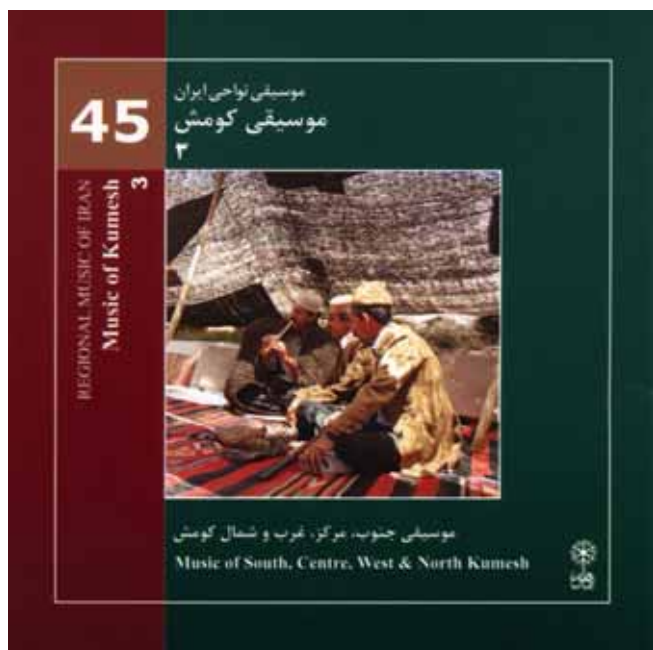
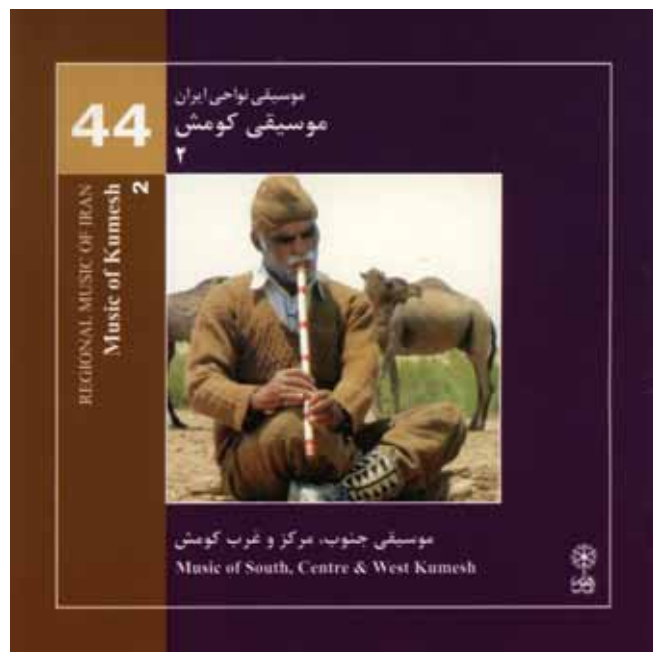
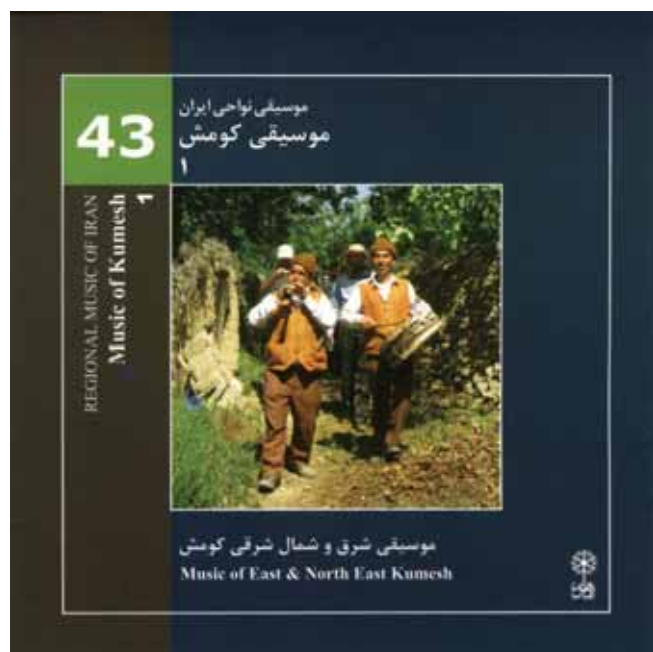
روح الله کلامی فارغ التحصیل از دانشکده‌ی موسیقی دانشگاه هنر تهران برپایه‌ی تولید منابع علم فرهنگی و موسیقایی اولین تحقیقات جامع میدانی خود را با موضوع موسیقی ناحیه‌ی کومش (استان سمنان) بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۲ انجام داد. حاصل این تحقیقات در حال حاضر انتشار سه مجموعه‌ی شنیداری قابل ارجاع در قالب ۶ عدد لوح فشرده - سه مجموعه‌ی شنیداری و سه کتابچه‌ی پیوست آلبوم‌ها با نگرشی مطالعاتی در زمینه‌های اتنوپولوژی موسیقی، اتنولوژی موسیقی، بررسی نشانه‌های تاریخی موسیقی و بررسی ویژگی‌های ادبی و زبانی اجراهای موسیقایی با کلام، بررسی‌های فنی و سازشناسی موسیقی کومش است که در کنار تألیف کتاب جامع موسیقی کومش (آماده‌ی انتشار) توسط وی گردآوری شده است.

گزارش:



کلیه‌ی مراحل این پروژه در بر سه محور میدانی، تحلیل داده‌ها و کتابخانه‌ای با صرف وقت حدود ۱۴۰۰ ساعت در طول حدود چهار سال و با پرداخت هزینه‌ها به شکل کاملاً خصوصی توسط روح الله کلامی انجام گرفته است. ضمن وجود هزینه‌های بالای طرح، جهت پیشبرد و تکمیل نهایی پروژه و ارائه‌ی آثار تولیدی، مکاتبات و پی‌گیری‌های متعددی با نهادهای مربوطه و مسئول جهت جذب حمایت‌های مالی و حقوقی انجام گرفت که متأسفانه جوابی کارا دریافت نگردید. این امر بارها موجب کندی پیشرفت و یا توقف روند اجرایی پروژه بوده که به هر ترتیب امروز بخشی از محصولات این پژوهش در دسترس مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها، هنرمندان و عموم علاقمندان قرار گرفته است. در این پژوهش از راهنمایی‌های کارشناسی همچون محمدرضا درویشی، دکتر محسن جباریان، دکتر حمیدرضا اردلان، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر کوروش روستایی، دکتر امید طبیب زاده و سایر اساتید و مجریان کومشی استفاده شده است. دست آوردهای این پژوهش تا کنون به شرح زیر می‌باشد:

- حدود ۱۰۰ ساعت ضبط تصویری از اغلب اجراهای سازی و آوازی، آیین‌های موسیقایی، مصاحبه‌های میدانی با آخرین و معروفترین راویان موسیقایی کومش.





معرفی موسیقی کومش:

کومش ناحیه‌ای است در نیمه‌ی شمالی و بخش شرقی ایران. این ناحیه درست در بین فرهنگ‌های پر مغز و غنی شمال، جنوب و مرکز خراسان و نواحی گلستان، مازندران، یزد، اصفهان، قم و تهران قرار گرفته است. این ویژگی به موازات اینکه ناحیه‌ی کومش یکی از مهترین پایگاه‌های تبعید و مهاجرت و کوچ در ایران بوده و در طول تاریخ اقوام متعدد و متنوع ترک، کرد، لر، سیستانی، طبری، بلوچ، فارس و ترکمن را در خود جای داده، موجب شده است تا از غنا، تنوع و ویژگی‌های خاص زبانی و موسیقایی در نقاط مختلف برخوردار باشد. علاوه بر این‌ها این ناحیه ضمن دارا بودن خورده فرهنگ‌هایی نسبتاً مستقل به واسطه‌ی حضور و سکونت دائمی اقوام بومی که دارای گویش‌های مستقل و ویژگی‌های فرهنگی مخصوصی به خود هستند انتظار ما را از موسیقی کومش به عنوان ترکیبی از موسیقی‌های نواحی همسایه، موسیقی‌های اقوام مهاجر ساکن در آن و موسیقی بومی کومش بالا برده است. این ویژگی‌ها بیش از پیش کار تحلیل و بررسی موسیقی کومش را پیچیده‌تر کرده است. موسیقی کومش ضمن در نظر گرفتن همه‌ی این ویژگی‌ها به شکل جامع قابل تبیین و معرفی است. در نظر گرفتن موسیقی کومش منهای موسیقی اقوام مهاجر ساکن در آن مسیر پژوهش، شناخت و معرفی را به بیغوله می‌برد. همین درهم آمیختگی فرهنگی در این ناحیه است که موضوع بررسی موسیقی کومش را جالب و قابل تأمل کرده و دورنمایی از جامعیت فرهنگ‌های موسیقایی اقوام دست کم شمال شرق ایران در یک ناحیه را ارائه می‌دهد. بی‌تردید این ویژگی بر ارزش معرفی و بررسی موسیقی این ناحیه افزوده است.



معرفی آلبومها:

سه مجموعه‌ی شنیداری موسیقی کومش همراه با سه کتابچه‌ی شناسنامه‌ی آن توسط انتشارات ماهور منتشر شده است. این سه مجموعه شامل ۳۰۰ دقیقه در قالب ۱۰۳ تراک اجرایی گردآوری و تدوین شده است. در این مجموعه سعی شده تا به جهت درک راحت‌تر شنونده و پژوهشگران از ویژگی‌های موسیقایی مناطق مختلف کومش، ارائه و طبقه‌بندی نمونه‌های اجرایی ضبط شده‌ی میدانی بر مبنای تقسیمات جغرافیای موسیقایی کومش باشد. با توجه به اشتراکات فرهنگی، زبانی و موسیقایی اقوام مختلف بومی و غیر بومی در نقاط مختلف کومش، ناحیه‌ی کومش به سه مجموعه‌ی اصلی موسیقایی چون الف: محدوده‌ی موسیقایی شرق و شمال شرق کومش ب: محدوده‌ی موسیقایی جنوب، مرکز و غرب کومش و ج: محدوده‌ی موسیقایی شمال کومش تقسیم شده است. بر مبنای همین سه مجموعه سه مجموعه‌ی منتشر شده تدوین و ارائه شده است. در این مجموعه ما نمونه‌هایی بکر از برخی اجراها را خواهیم شنید که دیگر قابل تکرار نیستند - از سویی به جهت کهنوت سن و فراموشی آخرین و مهمترین مجریان کومشی در مناطق مختلف و از سوی دیگر به جهت مرگ تعدادی از مجریان که نمونه‌های ضبط شده‌ی آنها در این مجموعه وجود دارد و در حال حاضر دیگر در میان ما نیستند و تن زیر خاک کشیده‌اند.



با وجودی که فرهنگ موسیقایی ناحیه‌ی کومش یکی از پرتنوع‌ترین و در عین حال یکی از ناشناخته‌ترین مراکز فرهنگی – تاریخی و موسیقایی ایران به شمار می‌آید، تاکنون پژوهش علمی و جامع درخوری درباره‌ی آن صورت نگرفته است. ارائه‌ی آثار تولیدی این پژوهش در سطح ملی، بین‌المللی و جوامع دانشگاهی و مراکز علمی می‌تواند بیش از پیش موجب معرفی پتانسیل‌های فرهنگی و موسیقایی ناحیه‌ی کومش به عنوان کلکسیون از فرهنگ‌های موسیقایی اقوام مهاجر ترک، کرد، لر، طبری، فارس، سیستانی، بلوچ و ترکمن ضمن اقوام بومی ساکن در این ناحیه با ویژگی‌های گویشی خاص و نسبتاً مستقل خود به عنوان ناحیه‌ای قابل تأمل در شمال شرق ایران شده و راهگشای سایر پژوهش‌های مربوطه شود.

